

تاریخچه قانون مجازات فرانسه

نخستین قانون مجازات فرانسه (۱) محصول انقلاب کبیر ۱۷۸۹ میلادی است. بدون تردید، در رژیم قدیم (۲) پادشاهان فرانسه فرامین و اوامر (۳) متعددی در امور جزائی صادر کرده، ولی هرگز بطور جدی با موضوع تهیه قوانین جزائی کامل آشنا نشده بودند.

فرمان کبیر ۱۶۷۰ م. یعنی فرمان جزائی کلبر (۴) صدراعظم فرانسه فقط حاوی قواعد اصول محاکماتی بود. این سیستم در مورد جرائم و مجازاتها ساکت بود و آنرا در قلمرو اختیارات دادرسان قرار میداد.

باین ترتیب قضات در مورد تشخیص جرائم و تعیین مجازاتها آزادی عمل و اختیار داشتند. ولی این آزادی و اختیار دادرسان فقط در مورد تعیین یکی از انواع مجازاتهای موجود و معمول بود.

این سیستم در قرن ۱۸ بر اثر اعتراضات جدی و شدید فلاسفه و حقوقدانان مثل سروان (۵) و کیل عمومی گرنوبل (۶) و دوپاتسی (۷) رئیس دادگاه بردو (۸) تغییر یافت.

هدف عمده اعتراضات وحشتناک و سبمانه بودن مجازاتها بود. همچنین اعتراضات در مورد فراموش کردن حقوق فردی انسانها و حقوق دفاعی متهمان بود.

ممترضین درخواست میکردند که سیستم قدیم بکلی از بین برود و سیستم جدیدی بر مبنای

1- Code Pénal Français

2- Ancien Régime 3- Edits et Ordonnances

4- Colbert 5- Servan 6- Grenoble 7- Dupaty

8- Bordeaux

قانون برقرار شود.

اعلامیه حقوق بشر (۱) مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ در ماده ۸ خود حاوی این اصل در

امور جزائی بود:

« هیچکس را نمیتوان مجازات کرد مگر بموجب
قانون » .

یا بعبارت روشن تر:

« هیچ عملی قابل کیفر نیست مگر اینکه قانون
مقدم بر آن عمل ، آنرا قابل مجازات دانسته
باشد . »

اصول عقاید معترضین در تدوین قانون جزای ۲۵ سپتامبر ۱۷۹۱ مؤثر واقع گردید.
مطابق این قانون ، تعیین مجازات جرائم جنائی بوسیله هیئت منصفه برقرار شد .
در حالیکه موضوع مجازات جرائم جنحه‌ای مصوب ۱۶ - ۲۲ ژوئیه ۱۷۹۱ قبلاً تعیین
شده بود .

خصوصیات قانون جزای ۱۷۹۱ که مستقیماً انکاس افکار بکاریا (۲) حقوقدان معروف
بود بقرار زیر است:

۱- این قانون موضوع اعاده حیثیت را برای محکومین اجازه داده بود بطوریکه
باصلاح معروف عصر میتوانستند و تمهید اجتماعی ثانوی، بدست آورند.

۲- مسئله عفو و بخشودگی در این قانون ساکت است و علت آن نفوذ این عقیده بود که
که هر عمل قابل مجازات خود بخود اجرای مجازات قانونی را ایجاب میکند و باید آن
مجازات اجرا شود.

۳- در این قانون مجازاتها ثابت بود، یعنی حداقل و اکثر نداشت که قاضی بتواند به
میل خود میزان مجازات را تعیین نماید. بلکه هر عملی مجازات ثابتی داشت که لازم بود
همان کیفر تعیین شود.

۴- در مورد جرائم اطفال مسئله رشد و تمیز کودکان و بخشودگی آنان در موارد معین
پیش بینی شده که این اصول تا ۱۹۴۵ برقرار بود.

۵- مطابق این قانون جرائم به سه درجه خلاف ، جنحه ، جنایت تقسیم شده بود.

۶- این قانون در مورد تکرار جرم شدت عمل بیشتری داشت و برای کسانی که دارای

1- Déclaration de Droits de l' homme et de Citoyen

2- Beccaria

سابقه کیفری بودند پیش بینی هائی شده بود که حتی بقیه عمر خود را در زندان یا تبعید بسر برند .

قانون ۱۷۹۱ تا سال ۱۸۱۰ مورد عمل و اجرا بود و قانون مصوب اخیر بطور اساسی وجدی حقوق ناشی از انقلاب را تثبیت و تحکیم کرد و در واقع تجدید بنائی در این مورد بعمل آورد.

معذک می‌توان گفت که قانون جزای ۱۸۱۰ يك سیستم مختلط بین پدیده های انقلاب و نظام حقوق قدیم بود.

مشخصات قانون ۱۸۱۰ بقرار زیر است :

۱- در این قانون مجازاتها ثابت نیست ، بلکه قضات در تعیین کیفر بین حداقل و اکثر مختارند .

۲- در این قانون موضوع تقسیم جرائم به جنایت ، جنحه ، خلاف و سیستم جزائی اطفال مجرم بهمان وضع قانون سابق بود .

۳- این قانون بطور عمیق و اساسی در قوانین جزائی اروپا مؤثر واقع گشت . بطور کلی قانون مجازات ۱۸۱۰ تاکنون عوض نشده و تغییر هم نکرده و فقط در طول قرن ۱۹ دو اصلاح اساسی در آن بعمل آمده است :

اصلاح اولی بوسیله قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ و دومی بموجب قانون ۱۳ مه ۱۸۶۳ انجام گرفت

صلابت و خشونت قانون ۱۸۱۰ از سال ۱۸۲۴ بر اثر قبول علل مخففه (۱) در مجازاتها تعدیل پیدا کرد . باین معنی که در قانون ۱۷۹۱ مجازات ثابت بود و در ۱۸۱۰ حداقل و اکثر پیدا کرد و از سال ۱۸۲۴ بید قاضی می‌توانست در صورت وجود علل مخففه ، کیفر را از حداقل نیز پائین تر آورد . این تبدیل در اصلاحیه ۱۸۳۲ بشکل قانون درآمد و عمومیت پیدا کرد .

این اصلاح ناشی از قبول فکر شخصی بودن مجازات (۲) است . باین معنی که کیفر باید متناسب با وضع روحی و اخلاقی مجرم و کیفیت ارتکاب جرم باشد .

تجدید نظر ۱۸۳۲ مجازاتهای بدنی را از بین برد و بجای کیفرهای اختصاصی مجازات های عمومی برقرار ساخت .

این اصلاح بعد ها منجر به از بین رفتن مجازات اعدام برای جرائم سیاسی در ۱۹۴۸ گردید .

(۱) *Circonstances atténuantes*

(۲) *Individualité de la peine*

تجدید نظر ۱۸۳۲ در جهت آزادی فکر در حقوق جزای فرانسه سیر کرده و مبنای تکاملی قانون ۱۸۶۳ ازین لحاظ گردید. بطوریکه در اصلاح اخیر تحقق بخشیدن بعضی نظامات و تنسیقات فنی در جهت تربیت و اصلاح مجرمین و مطلوب و لذیذ ساختن سیستم اصلاحی هدف قانون مزبور بود.

رویه ای که در اصلاحات ۱۸۳۲ و ۱۸۶۳ برای مرقی ساختن قانون و سیستم جزائی پیش گرفته شده بود تغییراتی در فروع سازمان قضائی بوجود آورد بدون آنکه تشکیلات ناپلئونی را بکلی از بین ببرد.

معدلك بنظر میآید که بعد از اصلاح دوم در چند مورد قانون ۱۸۱۰ متروک مانده و قوانین اصلاحی جدید بر مبنای نقطه نظارهای نوینی وضع شده است.

اما، قوانین جزائی ۱۸۸۵ و ما بعد برای تثبیت و تحکیم جمهوری سوم (۱) در خارج از محدوده قانون مجازات وضع و تصویب گردیده است.

از جمله: قانون آزادی مشروط (۱۴ اوت ۱۸۸۵)، قانون تبعید در مستعمرات (۲۷ مه ۱۸۸۵)، قانون تعلیق مجازات (۲۶ اوت ۱۸۹۱)، قانون سجل جزائی (۱۵ اوت ۱۸۹۹) و قانون دادگاههای اطفال بزهار (۲۲ ژوئیه ۱۹۱۲) را میتوان شمرد.

آخرین سالهای جمهوری سوم مصادف است با يك فکر اصلاحی نوین در سیستم جزائی که در پروژه پارلمانی تجدید نظر در قوانین کیفری سال ۱۹۳۴، را بوجود آورد.

لیکن این اصلاح و تجدید نظر که از لحاظ نظری و تقنینی فوق العاده جالب و مهم بود مورد توجه زیاد قرار نگرفت زیرا دوران تصویب نامه های قبل از جنگ اخیر (۱۹۳۹-۱۹۴۴) مربوط به جرائم بر علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمینه اصلاح سریع قوانین جزائی برای حفظ وضع عمومی و موجود، همه اصول را تحت الشعاع قرار داده بود و افکار عمیق و اساسی را بناچار کنار میزد تا برای اوضاع جدید هر چه زودتر مقرراتی بوجود آورد. این گرایش به اصلاح قوانین جزائی در جهت مصالح عمومی بشکل اختیارات قانونی در حکومت ویشی (۲) نمونه های بیشتری داشت.

ولی پس از جنگ بین الملل دوم تا زمانیکه تأثیرات قبل و بعد از جنگ بتدریج از بین رفت قانونگزاری به شیوه دیرین برگشت و دوران تصویب نامه یا فرامین قانونی سپری شد. در این دوره جدید کمیسیون های فنی و علمی خاصی مرکب از حقوقدانان و وکلا و قضات برای تجدید نظر و اصلاح در قوانین مدنی و تجاری و آئین دادرسی بوجود آمده ولی

1- *Republique*

2- *Wichy*

قانون جزا ازین فکر تجدید نظر بر کنار مانده است .
معدک راه اصلاح و تجدید نظر از طریق قانونی ، خواه در متن مواد قانون جزا و
خواه بوسلیه مواد دیگر در قلمرو قوانین کیفری باز است و این مسئله همچنان در برابر قانون
جزای فرانسه قرار دارد .

قانون و دادرسی

جان . اف . کندی در کتاب سیمای شجاعان که استاد ، ابراهیم خواجه نوری
به فارسی روان ترجمه کرده است مینویسد :
« وقتی چون استوارت میل مبارزه متهورانه ای در پارلمان انگلستان پیش گرفت بر علیه
کلیه شقاوت های حکومت نظامی فرمانفرمای سرزمین جامائیکا بود . خود وی در این باره
مینویسد ؛ من این مبارزه را تنها برای ترجم به سیاهپوستان جامائیکا نکردم بلکه بیشتر برای
حفظ اصول مهم دموکراسی بود تا بهمه ثابت شود که تبعه انگلستان در همه جا باید فقط تابع
قانون باشد نه تحت سلطه حکومت نظامی »

دسنا تور فور کر ، وقتی با شجاعت بر علیه اخراج مفتضحانه صدو شصت سر باز سیاهپوست
قیام کرد گفت ؛ در این موضوع اهمیت قضیه ای که من از آن دفاع میکنم خیلی بالاتر از
سرنوشت عده ای سر باز است . موضوع حفظ این اصل مهم عدالت است که بهوجب آن هیچکس
را نمیشود از حق محاکمه عادلانه محروم ساخت و بدون محاکمه تنبیه نمود .